

مردمان نوع دوستی که دیگر بهم کمک نمی‌کنند

بی تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که طی آن افراد در جامعه نسبت به هموعان، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، و شرایط موجود و آینده دچار بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی می‌شوند.



بی تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که طی آن افراد در جامعه نسبت به هموعان، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، و شرایط موجود و آینده دچار بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی می‌شوند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از نامه نیوز، هر روز در خیابان افراد زیادی را می‌بینیم که به کمک احتیاج دارند. پیرمردی که به سختی از پله اتوبوس بالا می‌رود. نابینایی که کنار خیابان ایستاده و منتظر است صدای حرکت اتومبیل‌ها کم شود تا به نشانه تغییر رنگ چراغ راهنمایی، از خیابان عبور کند. با کوچکترین کمک، می‌توانیم زندگی را برایشان ساده‌تر از چیزی که هست کنیم. اما همیشه عجله داریم. حتی وقتی جان کسی در خطر باشد. برای کمک، نیاز به انسانیت بالایی در وجود افراد است. بسیار پیش آمده کسی که برای کمک وارد دعوایی خیابانی شده، مرتکب قتل شود یا چاقویی که برای دیگری کشیده شده موجب مرگ کسی شود که برای آشتی واسطه شده‌بود. پس چه باید کرد؟

دکتر محمد علی کیهانی نژاد، روانشناس، درباره افزایش بی تفاوتی اجتماعی در جامعه می‌گوید: این مساله جنبه اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی دارد که در جامعه روز به روز در حال تضعیف و بی‌رنگ شدن است. علت اصلی، عدم امنیتی است که مردم در قبال این مسایل احساس می‌کنند. چون فکر می‌کنند امنیت ندارند که بخواهند نسبت به دیگران کمک رسانی کنند. این بی تفاوتی می‌تواند به صورت بی تفاوتی نسبت به دعوی دسته جمعی یا تصادف باشد.

این روانشناس خود تجربه بی تفاوتی اجتماعی که با آن مواجه شده را چنین تعریف می‌کند: یک روز وقتی از بانک بیرون آمدم، یک موتورسوار دهان مرا گرفت و یکی پول‌هایم را از جیبم بیرون کشید. پلیس ایستاده بود، گفتم چرا هیچ کاری نکردی؟ گفت من فکر کردم دوستان شما هستند و با شما شوخی می‌کنند. یک میلیون و 500 هزار تومان پول من را بردند. من گفتم تیراندازی یا کاری نکنید. گفت خطرناک است. بعداً متوجه شدن این افراد متأسفانه با هم همدست بودند. این اتفاق با سند و مدرک در کلانتری ثبت شده است.

جامعه خشن موجب افزایش بی تفاوتی اجتماعی می‌شود

کیهانی نژاد یکی از دلایل بی تفاوتی اجتماعی را عدم امنیت قانونی که می‌تواند از افراد حمایت کند دانست و گفت: در این رفتار عوامل متفاوتی موثر است مثل فشارهای اقتصادی، فشارهای اجتماعی و مسائل مختلف ... با این حال اگر توجه کرده باشید وقتی مردم در تنگنا و بحران قرار می‌گیرند برای مثال پدیده‌هایی مثل سیل یا زلزله یا اتفاق‌هایی که در شهر به وقوع می‌پیوندد ماشین‌ها به مردم راه می‌دهند یا مردم به هم کمک می‌کنند. این جنبه‌های عاطفی در مواقع بحرانی خیلی مهم هستند. ولی باید مواقعی خاص و خیلی خیلی کم، آن هم هر چند سال یکبار باشد تا مردم به یکدیگر کمک کنند. این هم به این دلیل است که عدم امنیت شخص در جامعه کاملاً مشهود است و روز به روز ضعیف‌تر می‌شود. اگر در گذشته به صورت مداخله کدخدا منشانه یا صحبت و نصیحت مطرح بود الان می‌بینیم در نبود این فاکتورها در جامعه خشونت بیداد می‌کند می‌توان گفت جامعه خشنی داریم.

وی افزود: افزایش خشونت در اجتماع کمک به افزایش بی تفاوتی مردم نسبت به یکدیگر می‌کند. به نظر من خطر افزایش خشم و خشونت مردم خیلی شدیدتر از بی تفاوتی اجتماعی است. این دو به هم ربط دارد. خشونت موجب دعوا، درگیری و تصادف می‌شود مردم هم وقتی با این اتفاق‌ها مواجه می‌شوند عکس‌العمل خاصی نشان نمی‌دهند. انسان وقتی رویداد جدیدی ببیند برایش جذاب یا مقدس است. اما اگر هر روز با آن مواجه شود جنبه تقدس خود را از دست خواهد داد. مردمی که در جامعه هر روز دعوا و خشونت می‌بینند، خشونت برایشان عادی شده و افرادی بی تفاوت می‌شوند. شاهدیم پدر با اقتصاد ورشکسته خود قادر نیست هزینه‌ها را تقبل کند. در این شرایط باید با تحکم بگویم که ندارم و این در خانواده باعث خشونت خواهد شد.

این روانشناس درباره افزایش خشونت در جامعه و تکرار زیاد رویدادهای خشن گفت: به این صورت مولتی فاکتورها باعث می‌شوند مردم جنبه‌های تازگی و جنبه‌های عاطفی کمک رسانی را فراموش کنند. در جوامع پیشرفته می‌بینیم فرهنگ‌سازی هست یا اینکه قوانین خوب اجرا می‌شود. ما همه البته نسبت به قانون احترام می‌گذاریم مردم در جوامع باید آرامش داشته باشند. اگر بی‌هنجاری‌های اجتماعی (آنومیک) را در 5 مرحله تقسیم بندی کنیم و مرحله خوب را مرحله اول فرض کنیم. ایران در مرحله سوم قرار دارد هنوز ریشه‌های اخلاقی مردم خشک نشده و در شرایط سخت به هم کمک می‌کنند.

کیهانی نژاد رسانه‌ها را یکی از کانال‌های اخلاقی کردن جامعه دانست و گفت: اگر بخواهیم کاری کنیم که وضعیت اجتماعی بهتر شود و مردم نسبت به دردهای یکدیگر احساس همدردی داشته باشند. می‌توانیم از رسانه‌ها شروع کنیم. در رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون دروغ زیاد به مردم می‌گویند مردم به رسانه‌ها بی‌اعتنا شده‌اند. چون می‌بینند که خبر درست را از جای دیگر می‌شنوند. رفتار اخلاقی باید بین رسانه‌ها فرهنگ سازی شود الگوهای درست پیدا کنند و این را به جامعه بفهمانند تا انگیزه‌ها و ریشه‌ها در مردم جان تازه بگیرد. در کشورهای غربی هم به صورت مداوم روی این رفتار افراد جامعه مرتباً انجام می‌دهند که خیلی موثر است. باید از پیش‌دستانی در افراد فرهنگ‌سازی شود تا در آینده نتیجه دهد.

بی تفاوتی در جامعه نوعی بیماری است

در همین راستا در پژوهشی که توسط علیرضا محسنی تبریزی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و مجتبی صدافتی فرد، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی با موضوع بی تفاوتی اجتماعی در تهران انجام شد. گفته شد، اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تفاوت‌مندی تشکیل می‌دهد که ریشه در وابستگی و ارتباط عاطفی به جمع با احساس عضویت دارد، اما پدیده‌ای مانند بی تفاوتی اجتماعی، بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و به عبارت بهتر نوعی افسردگی اجتماعی است. از این رو در منظر آسیب‌شناختی، بی تفاوتی در جامعه نوعی بیماری اجتماعی شناخته می‌شود. همانگونه که در نقطه مقابل آن، هرگونه اعتنای اجتماعی و نودوستی در حیات فردی و اجتماعی، نشانه پویایی و سلامت اجتماعی است.

نتایج این پژوهش که روی 830 تهرانی ساکن مناطق مختلف صورت گرفت نشان داد که در مواجهه با حالت‌های اضطراری 75/3 درصد از شهروندان نودوست و 24/7 درصد بی تفاوتند.

در این گزارش بی تفاوتی اجتماعی در تعریف مفهومی، وضعیتی معرفی شد که طی آن، افراد به واسطه عدم اتصال ذهنی(شناختی) و عینی(کنشی) با جامعه(هموعان، نهادها و ساختارهای اجتماعی)، با بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی به واقعیت‌های پیرامون از انجام مشارکت اجتماعی-سیاسی، مسئولیت‌های اجتماعی، فعالیتهای دگرخواهانه و درگیری فعال و مدنی در مسائل اجتماعی پرهیز می‌کنند.